

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی اثرات متغیرهای کلان بر شاخص قیمت مواد غذایی  
با استفاده از یک الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL)  
مورد ایران (۱۳۷۹-۱۳۳۸)

بوسیله

جواد هراتی

رساله

ارائه شده به دانشکده تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت‌های  
تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته

علوم اقتصادی

از

دانشگاه شیراز

شیران، ایران

۱۳۸۲ / ۷ / ۱۰

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

امضاء اعضای کمیته پایان نامه:

دکتر محمد علی قطمیری، دانشیار بخش اقتصاد (رئیس کمیته) .....

دکتر بهاء‌الدین نجفی، استاد بخش اقتصاد کشاورزی .....

دکتر کریم اسلاملوئیان، استادیار بخش اقتصاد .....

تیر ماه ۱۳۸۲

۴۸۵۶۳

- دی رفت، باز نیاید. فردا را اعتمادی نشاید، وقت را غنیمت دان که بسی بر نیاید. هر که دانست قسّام قسمت بد نکرد از حسد برست. اگر داری بگوی و اگر نداری دروغ مگوی. اگر داری مفروش و اگر نداری مخروش.  
اگر برآب روی خسی باشی و اگر به هوا پری مگسی باشی، دل به دست آر تا کسی باشی.

- به کودکی پستی، به جوانی مستی، به پیری سستی، پس ای عزیز خدا را کی پرستی؟ حقیقت دریاست، شریعت کشتی، از دریا، بی کشتی به چه پستی گذشتی؟  
از مناجاتنامه خواجه عبدالله انصاری

تقدیم به مادرم

پدرم

برادران و خواهرانم و

آنان که همیشه پشتیبان و حامی من بوده‌اند

۴۸۵۶۳

## سپاسگزاری

«محتاج و غنی بنده این خاک درند

آنان که غنی ترند محتاج ترند»

منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون بر می آید مفرح ذات. پس در هر نفس دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکری واجب. حال که تدوین این رساله به اتمام رسیده است بر خود لازم می دانم از جناب آقای دکتر قطمیری که به عنوان استاد راهنما در تمام مراحل تدوین این پایان نامه در خدمت ایشان بوده ام کمال تشکر را بنمایم. همچنین از اساتید محترم آقایان دکتر اسلاملوئیان و دکتر نجفی که به عنوان اساتید مشاور راهنمایی بنده را در اتمام این رساله بر عهده داشته اند صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می نمایم.

## چکیده

### بررسی اثرات متغیرهای کلان بر شاخص قیمت مواد غذایی با استفاده از یک الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) مورد ایران (۱۳۷۹-۱۳۳۸)

توسط:

جواد هراتی

هدف اصلی این رساله بررسی چگونگی تأثیر متغیرهای کلان بر شاخص قیمت مواد غذایی در طول دوره ۱۳۳۸-۱۳۷۹ می‌باشد. برای این منظور از فرم تقلیل یافته معادله شاخص قیمت مواد غذایی شامل متغیرهای شاخص تولید سرانه داخلی مواد غذایی، شاخص درجه باز بودن اقتصاد، درآمد سرانه واقعی، شاخص قیمت مواد غذایی با تأخیر زمانی، نرخ مؤثر ارز و حجم نقدینگی استفاده شده است. متغیرهایی که در الگو مورد استفاده قرار گرفته‌اند منعکس کننده سیاست‌های تجاری، ارزی و پولی می‌باشد. به منظور برآورد الگو از روش پویای خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL)<sup>۱</sup> استفاده شده است.

نتایج حاصل از برآورد الگوی بلندمدت نشان می‌دهد که نرخ ارز و حجم نقدینگی شاخص قیمت مواد غذایی را بطور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما با افزایش درجه باز بودن اقتصاد شاخص قیمت مواد غذایی کاهش می‌یابد. در مورد نحوه تأثیر شاخص تولید سرانه داخلی مواد غذایی و درآمد سرانه واقعی به علت معنی‌دار نبودن ضرائب برآوردی نمی‌توان اظهار نظر کرد. نتایج حاصل از الگوی تصحیح خطا نیز مشابه با الگوی بلندمدت می‌باشد. با این تفاوت که برخلاف بلندمدت تغییرات تولید سرانه داخلی مواد غذایی در کوتاه‌مدت اثر معکوسی بر شاخص قیمت مواد غذایی دارد. همچنین ضریب تصحیح خطای برآوردی نشان از سرعت تعدیل بسیار بالایی الگوی کوتاه‌مدت به سمت تعادل بلندمدت دارد.

---

<sup>۱</sup> - Autoregressive with Distributed Lags.

صفحه	عنوان
پنج	فهرست مطالب.....
هفت	فهرست جداول.....
هشت	فهرست نمودارها.....
۱	فصل اول: مقدمه.....
۱	۱-۱- مقدمه.....
۳	۲-۱- هدف.....
۴	۳-۱- روش تحقیق.....
۶	فصل دوم: مروری بر مطالعات انجام شده.....
۶	۱-۲- مقدمه.....
۶	۲-۲- مروری بر مطالعات انجام شده در خارج.....
۲۸	۲-۲- مروری بر مطالعات انجام شده در داخل.....
۳۴	فصل سوم: مبانی نظری و ساختار الگو.....
۳۴	۱-۳- مقدمه.....
۳۵	۲-۳- سیاست‌های مرتبط با بخش کشاورزی.....
۳۵	الف - سیاست قیمت گذاری مستقیم محصولات کشاورزی توسط دولت.....
۳۷	ب - سیاست‌های تجاری، ارزی و پولی در سطح کلان.....
۳۷	ب - ۱- سیاست تجاری.....
۴۱	ب - ۲- سیاست ارزی.....
۴۳	ب - ۳- سیاست پولی.....
۴۶	۳-۳- ساختار الگو.....
۵۱	۳-۳-۱- استخراج الگو.....
۵۷	فصل چهارم: برآورد الگو، تجزیه و تحلیل نتایج.....
۵۷	۱-۴- مقدمه.....
۵۸	۲-۴- بررسی آزمون‌های ریشه واحد.....
۵۹	۴-۲-۱- آزمون دیکی - فولر (DF).....
۶۱	۳-۴- روش برآورد الگو.....
۶۶	۴-۴- آزمون هم تجمعی الگوی پویا.....
۶۸	۴-۵- نتایج حاصل از آزمون هم تجمعی الگوی پویا.....

**صفحه**

**عنوان**

۷۰	۴-۶- برآورد الگوی پویای بلند مدت شاخص قیمت مواد غذایی.....
۷۷	۴-۷- برآورد الگوی تصحیح خطای شاخص قیمت مواد غذایی.....
	۴-۸- مقایسه نتایج حاصل از مطالعه حاضر و نتایج حاصل از بررسی
۷۹	سیاست‌های مؤثر بر قیمت محصولات کشاورزی.....
۸۱	ضمیمه فصل چهارم.....
۸۱	ضمیمه الف: نتایج الگوی ARDL برآوردی.....
	ضمیمه ب: تجزیه ایران در خصوص سیاست‌های مؤثر بر قیمت
۸۴	محصولات کشاورزی.....
	ب-۱- تجربه ایران در خصوص سیاست‌های مؤثر بر قیمت
۸۴	محصولات کشاورزی.....
	ب-۱-۱- سیاست قیمت‌گذاری مستقیم محصولات
۸۴	کشاورزی.....
۸۸	ب-۱-۲- مروری بر سیاست تجاری در ایران .....
۹۲	ب-۱-۳- مروری بر سیاست ارزی در ایران.....
۹۵	ب-۱-۴- مروری بر سیاست پولی در ایران .....
۹۸	فصل پنجم: خلاصه و نتیجه گیری.....
۱۰۰	پیشنهادات.....
۱۰۱	پیشنهادات برای سایر مطالعات.....
۱۰۳	ضمیمه آماری.....
۱۰۵	منابع آماری.....
۱۰۵	فهرست منابع و مأخذ.....
۱۰۵	الف - منابع فارسی.....
۱۰۹	ب - منابع انگلیسی.....
۱۱۴	چکیده و صفحه عنوان انگلیسی.....

## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۶۱	جدول شماره (۱-۴): خلاصه نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد دیکی - فولر تعمیم یافته.....
۶۹	جدول شماره (۲-۴): نتایج حاصل از آزمون هم تجمعی الگوی پویای شاخص قیمت مواد غذایی.....
۷۲	جدول شماره (۳-۴): ضرایب مربوط به الگوی بلندمدت شاخص قیمت مواد غذایی.....
۷۷	جدول شماره (۴-۴): ضرایب مربوط به الگوی تصحیح خطای شاخص قیمت مواد غذایی.....
۸۱	جدول شماره (۱): نتایج الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده برآوردی بر اساس معیار شوارتز - بیزین.....
۸۲	جدول شماره (۲): نتایج حاصل از آزمون‌های تشخیصی.....
۸۲	جدول شماره (۳): نتایج حاصل از الگوی بلند مدت برآوردی برای معادله شاخص قیمت مواد غذایی.....
۸۳	جدول شماره (۴): نتایج الگوی تصحیح خطای معادله شاخص قیمت مواد غذایی.....

## فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۵۰	نمودار شماره (۱): عوامل مؤثر بر میزان تولید، عرضه و قیمت نهاده‌ها و محصولات کشاورزی در بازار.....
۷۳	نمودار شماره (۲): روند تغییرات شاخص قیمت مواد غذایی در خلال سالهای ۱۳۳۸-۱۳۷۹.....



## فصل اول

### مقدمه

#### ۱-۱- مقدمه

بخش کشاورزی همواره در اقتصاد ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است، بطوریکه در اکثر برنامه‌های عمرانی به عنوان یک بخش محوری و زمینه ساز توسعه سایر بخش‌ها مورد توجه برنامه‌ریزان بوده است. این بخش بعنوان یکی از تواناترین و مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی دارای وظایف متعددی می‌باشد. از جمله این وظایف می‌توان به ایجاد اشتغال برای نیروی کار فزاینده کشور به میزان ۲۳ درصد، تولید بخش قابل توجهی از تولید ناخالص ملی به میزان ۲۱ درصد، مشارکت فعال در فرایند توسعه صادرات غیر نفتی به میزان ۱۳ درصد، تولید برخی مواد اولیه مورد نیاز صنایع و بالاخره تأمین قسمت اعظم مواد غذایی مورد نیاز جمعیت در حال رشد کشور به میزان ۷۵ درصد اشاره نمود.<sup>۱</sup>

در میان وظایف یاد شده، تأمین قسمت اعظم مواد غذایی مورد نیاز جامعه با توجه به نقش تغذیه در فرایند توسعه و تأثیر متقابل تغذیه و توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در این بین دولت با توجه به نقش و وظیفه خود در جهت برقراری امنیت غذایی در جامعه همواره اقدام به تأمین مازاد تقاضای مواد غذایی از محل واردات می‌نماید. بطوریکه تولید داخلی توسط بخش کشاورزی و واردات دو منبع مهم عرضه مواد غذایی در داخل کشور می‌باشند.

از سوی دیگر در بُعد تقاضای بازار، عواملی همانند قیمت مواد غذایی و درآمد سرانه به عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر چگونگی تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان در

<sup>۱</sup> - مأخذ آمار: ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۷۸.

کنار عواملی همچون عوامل فرهنگی، فیزیولوژیک و شیوه‌های زندگی مطرح می‌باشد (الین، ۱۹۹۹)<sup>۱</sup>. این در حالی است که در بازار مواد غذایی همانند سایر بازارها قیمت از تقابل تقاضا و عرضه بدست می‌آید.

از سوی دیگر اجرای سیاست‌های کلان داخلی یک کشور و نیز سیاست‌های بین‌المللی می‌تواند بر متغیرهای کلیدی بخش کشاورزی و غذایی از جمله تولید، عرضه، تقاضا و در نهایت قیمت مواد غذایی اثر گذار باشد. در بیان نحوه اثر گذاری متغیرهای کلان بر قیمت مواد غذایی عمدتاً سیاست‌های کلان پولی، ارزی و تجاری به عنوان مهم‌ترین این سیاست‌ها در نظر گرفته می‌شوند. اجرای سیاست‌های مذکور بطور مستقیم و غیرمستقیم بر قیمت مواد غذایی اثر می‌گذارد. برای مثال اجرای سیاست کاهش ارزش پول ملی در یک رژیم نرخ ارز ثابت، بعنوان یک سیاست ارزی، می‌تواند بطور غیرمستقیم از طریق تغییر قیمت نهاده‌های وارداتی بر سطح تولید، عرضه و قیمت مواد غذایی تأثیر داشته باشد. همچنین عرضه و قیمت مواد غذایی می‌تواند بطور مستقیم از طریق تغییر قیمت مواد غذایی وارداتی تحت تأثیر سیاست مذکور قرار گیرد.

علاوه بر این تقاضا، عرضه و در نهایت قیمت مواد غذایی می‌تواند بطور مستقیم و غیر مستقیم تحت تأثیر سیاست پولی قرار گیرد. برای مثال در بُعد تقاضای بازار، اجرای سیاست پولی انبساطی از طریق افزایش حجم پول در دسترس مردم موجب افزایش تقاضای کالاها و از جمله مواد غذایی می‌گردد. در شرایطی که طرف عرضه بدلیل محدود بودن امکانات تولید داخلی توانایی پاسخگویی به مازاد تقاضای ایجاد شده را ندارد، انتظار می‌رود شاهد افزایش قیمت مواد غذایی باشیم. این امر در حالی است که دولت می‌تواند از طریق اجرای سیاست‌های پولی مناسب از جمله کاهش نرخ بهره زمینه افزایش سرمایه گذاری در بخش کشاورزی و افزایش تولید مواد غذایی و در نهایت کاهش قیمت مواد غذایی را فراهم کند.

بالاخره در مورد سیاست تجاری به عنوان یکی از سیاست‌های کلان، دولت می‌تواند با وضع محدودیت‌های تجاری، قوانین و مقررات تجاری و اعمال مالیات بر صادرات از طریق تغییر در حجم مبادلات تجاری و از جمله صادرات و واردات مواد غذایی بر قیمت مواد غذایی در داخل کشور اثر گذار باشد. علاوه بر این اعمال

---

<sup>۱</sup> - Elain(1999).

سیاست‌های تجاری می‌تواند بر میزان واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و از جمله نهاده‌های تولید بخش کشاورزی و در نهایت از طریق تغییر در هزینه‌های تولید داخلی مواد غذایی بر تولید و قیمت مواد غذایی اثر گذار باشد.

اثرات فوق در حالی قابل بررسی است که عمدتاً دولت‌ها، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، در مقاطع مختلف با هدف حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اقدام به اعمال سیاست‌های مرتبط با بخش کشاورزی و مواد غذایی می‌نمایند. از جمله این سیاست‌ها، سیاست قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی و غذایی می‌باشد. این سیاست عمدتاً به دو شیوه قیمت‌گذاری تثبیتی و تضمینی در مورد محصولات استراتژیک که سهم قابل توجه‌ای در بودجه خانوار، بخصوص خانوارهای فقیر، دارند، اعمال می‌گردد. اعمال این گونه سیاست‌ها با اهدافی چون جلوگیری از تورم و تثبیت قیمت مواد غذایی می‌باشد. از آنجا که اجرای سیاست کنترل قیمت سبب زیان کشاورزان و تضعیف انگیزه‌های تولید کشاورزان می‌گردد، عموماً دولت به منظور رفع این مشکل و در عین حال جلوگیری از افزایش قیمت مواد غذایی برای مصرف‌کنندگان مناطق شهری، اقدام به یکی دیگر از سیاست‌های خاص بخش کشاورزی و غذایی یعنی اعطای سوبسید به نهاده‌های تولید می‌نماید. بدون شک اجرای سیاست‌های فوق توسط دولت ضمن گسترش مداخلات دولت در بازار تا حدود زیادی نحوه اثر گذاری سیاست‌های کلان مورد بررسی را دستخوش تغییر می‌نماید.

## ۲-۱- هدف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق بررسی رفتار شاخص قیمت مواد غذایی در ایران در فاصله سالهای ۱۳۳۸-۱۳۷۹ می‌باشد. برای این منظور با استفاده از یک الگو که در بردارنده متغیرهای کلان می‌باشد به تجزیه و تحلیل رفتار و عکس العمل متغیر قیمت مواد غذایی در مقابل این متغیرها که در بردارنده اثرات سیاست‌های کلان پولی، ارزی و تجاری است، می‌پردازیم. در این راستا روابط بلندمدت و کوتاه‌مدت شاخص قیمت مواد غذایی را برآورد نموده و به بررسی این مسأله می‌پردازیم که اثر هر یک از سیاست‌های مزبور بر شاخص قیمت مواد غذایی چگونه است؟

از آنجا که رسیدن به اهدافی همچون رشد و توسعه پایدار در گرو داشتن نیروی کار فعال و سالم و برخوردار از حداقل امنیت غذایی می‌باشد لزوم هماهنگی و توجه به اثرات متقابل و احیاناً متضاد بین سیاست‌های کلان، کشاورزی و غذایی بایستی مورد توجه برنامه‌ریزان اقتصادی کشور باشد. چرا که بسیاری از سیاست‌های کلان بدون توجه جدی به اثرات بعدی این سیاست‌ها بر متغیرهای بخش کشاورزی و غذایی طراحی و اجرا می‌شوند.

ایجاد هماهنگی میان سیاست‌های کلان، کشاورزی و غذایی می‌تواند دولت را در جهت دستیابی به اهدافی چون رسیدن به امنیت غذایی، بهبود عملکرد سیاست‌ها، افزایش کارایی در استفاده از منابع و بالاخره جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت مواد غذایی یاری نماید. به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان بی‌ثباتی قیمت مواد غذایی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه زمینه ساز بی‌ثباتی در کل قیمت‌ها بوده، بطوریکه قیمت مواد غذایی و تورم در این کشورها از یک رابطه دوجانبه برخوردار می‌باشند<sup>۱</sup>. علاوه بر این افزایش بی‌رویه و شدید قیمت مواد غذایی می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی منفی به‌مراه داشته باشد.

### ۳-۱- روش تحقیق

برای دستیابی به هدف تحقیق ابتدا فرم تقلیل یافته معادله قیمت مواد غذایی را از سیستم معادلات عرضه، تقاضا و شرط تعادل در بازار مواد غذایی استخراج می‌کنیم. به منظور برآورد معادله قیمت از الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده می‌شود. الگوی مورد نظر ضمن در نظر گرفتن واکنش‌های پویای کوتاه‌مدت، برآورد نسبتاً بدون تورشی از ضرایب بلند مدت ارائه می‌دهد. در مدل برآوردی متغیرهای شاخص درجه باز بودن اقتصاد به منظور نشان دادن اثرات سیاست تجاری، متغیر حجم نقدینگی (تعریف  $M2$ ) به منظور وارد کردن اثرات سیاست پولی و متغیر نرخ مؤثر ارز به عنوان نماینده‌ای برای نشان دادن اثرات سیاست ارزی در کنار متغیرهای درآمد سرانه واقعی و شاخص تولید سرانه داخلی مواد غذایی در نظر گرفته شده‌اند.

<sup>۱</sup> - Jerry and Thomas(1998).

داده‌های مورد استفاده در این تحقیق همگی بصورت سالیانه بوده که عمدتاً از ترانزنامه بانک مرکزی، بانک اطلاعاتی PDS و آمارنامه سازمان ملل<sup>۱</sup> و نیز نشریه IFS جمع آوری گردیده است.

این رساله مشتمل بر پنج فصل می‌باشد که در دنباله، در فصل دوم مروری بر مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور خواهیم داشت. فصل سوم به ارائه مبانی نظری و معرفی سیاست‌های کلان اثر گذار بر رفتار شاخص قیمت مواد غذایی و در نهایت ارائه و استخراج الگوی مورد استفاده می‌پردازد. در فصل چهارم ضمن معرفی الگوی مورد استفاده نتایج تجربی حاصل از تحقیق حاضر ارائه و سپس نتایج حاصل از اجرای سیاست‌های کلان پولی، تجاری و ارزی و سیاست قیمت گذاری مستقیم محصولات کشاورزی و غذایی در ایران در فاصله سالهای ۱۳۷۹-۱۳۳۸ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان این فصل نتایج حاصل از مطالعه حاضر و نتایج حاصل از بررسی سیاست‌های مؤثر بر قیمت محصولات کشاورزی و غذایی در طول دوره تحت بررسی مورد مقایسه می‌گیرد. در نهایت در فصل پنجم به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

---

<sup>1</sup>-Statistical Yearbook for Aisa and Pacific, United Nations.

## فصل دوم

### مروری بر تحقیقات انجام شده

#### ۲-۱- مقدمه:

بطور کلی دو دسته سیاست بر بخش کشاورزی و متغیرهای اساسی آن از جمله تولید و قیمت تأثیر می‌گذارند. اولین دسته سیاست‌های کلان (Economy-Wide Policies) نظیر سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری و دسته دیگر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی (Sector-Specific policies) می‌باشد. از جمله سیاست‌های خاص بخش کشاورزی می‌توان به سیاست قیمت‌گذاری مستقیم محصولات کشاورزی و غذایی، اعطای سوبسید به نهاده‌های تولید و... اشاره کرد.<sup>۱</sup> این در حالی است که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی قیمت محصولات کشاورزی مهم‌ترین عامل اثرگذار بر انگیزه‌های تولید کشاورزان می‌باشد.<sup>۲</sup> در زمینه اثر گذاری سیاست‌های نامبرده بر قیمت مواد غذایی در کشورهای مختلف مطالعات متعددی انجام گرفته است. در این قسمت برخی از این مطالعات را مرور خواهیم نمود.

#### ۲-۲- مروری بر مطالعات انجام شده در خارج:

شو<sup>۳</sup>(۱۹۷۴) به بررسی اثرات ابزار پولی بر روی تجارت کالای کشاورزی می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که ارزش‌گذاری بیش از حد دلار بعد از جنگ در آمریکا سبب کاهش تولید، صادرات و قیمت محصولات کشاورزی در این کشور و در عین حال سبب تقویت کاذب تقاضای داخلی برای محصولات کشاورزی در آمریکا می‌گردد.

<sup>۱</sup>-Jeager and Humphreys(1988), Bautstia and Valdes(1993).

<sup>۲</sup>- Krueger , Schiff and Valdes(1988).

<sup>۳</sup>-Schuh(1974).

اکستین وهاین<sup>۱</sup> (۱۹۷۸) با بکارگیری یک مدل اقتصادسنجی دوبخشی، دامپروری و غلات غذایی، به بررسی دلایل عمده تورم مواد غذایی در سال ۱۹۷۳ در آمریکا می‌پردازند. نتایج مطالعات این دو نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از تورم قیمت مواد غذایی طی دوره ۱۹۷۶-۱۹۶۱ بدلیل سیاست‌ها و فعالیت‌های ناسازگار دولت از جمله سیاست پولی، محدودیت‌های دولتی، کنترل قیمت‌ها و نیز بدلیل شرایط اقتصاد جهانی و کاهش ارزش دلار می‌باشد.

بارنت، بسلر و تامسون<sup>۲</sup> (۱۹۸۰) با بکارگیری آزمون علیت گرینجر<sup>۳</sup> و با استفاده از داده‌های ماهیانه مربوط به عرضه پول و شاخص قیمت غذایی موجود در شاخص قیمت خرده فروشی (FCPI)<sup>۴</sup> و قیمت گندم در فاصله سالهای ۱۹۷۸-۱۹۷۰ به بررسی رابطه علیت میان عرضه پول و متغیرهای قیمت ذکر شده می‌پردازند. نتایج نشان‌دهنده وجود یک رابطه علیت یک طرفه از عرضه پول به هر دو نوع قیمت تحت بررسی می‌باشد.

بلونیا و کینگ<sup>۵</sup> (۱۹۸۱) به منظور مطالعه رفتار شاخص قیمت مواد غذایی، تغییرات قیمت مواد غذایی را بعنوان تابعی از درصد تغییرات در ذخیره اسمی پول، درآمد حقیقی و نسبت شاخص قیمت عمده فروشی مواد غذایی به شاخص قیمت عمده فروشی کالاهای صنعتی تخمین می‌زنند. نتایج نشان می‌دهد که تغییر در نرخ رشد قیمت مواد غذایی تنها وابسته به نرخ رشد حجم پول می‌باشد و دیگر اینکه اعمال سیاست کنترل قیمت سبب کاهش رشد قیمت‌ها می‌گردد و با رها کردن کنترل، قیمت‌ها شروع به افزایش می‌کنند.

چمبرز<sup>۶</sup> (۱۹۸۱) با بکارگیری آزمون علیت گرینجر به آزمون رابطه علیت بین ابزار پولی حجم پول و نرخ بهره و تجارت کالای کشاورزی می‌پردازد. نتایج بدست آمده حاکی از وجود یک رابطه علیت قوی بین عرضه پول، صادرات و واردات محصولات کشاورزی می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که یک رابطه علیت

---

<sup>1</sup>-Eckstein and Heien(1978).

<sup>2</sup>- Barnet , Bessler and Thompson(1980).

<sup>3</sup>-Granger's Causality Test.

<sup>4</sup>-Food Component of the Consumer Price Index.

<sup>5</sup>-Belongia and King(1981).

<sup>6</sup>- Chambers(1981).